هو الله - ای ياران الهی و اماء رحمان، نامه شما رسيد...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



### لوح رقم (117) – من آثار حضرت عبدالبهاء – مکاتیب عبد البهاء، جلد3، صفحه 305

## ( 117 )

هندوستان، رتنا کری کروی - احبای الهی و اماء رحمان علیهم بهاء الله الابهی

## هو الله

ای یاران الهی و اماء رحمان نامه شما رسید مضمون جمیع بیان التماس سفر عبدالبهاء بآنصفحات بود من نیز در کمال اشتیاقم در عالم وجود سروری اعظم از مشاهده روی یاران نمیشود اینست کام دل و جان اما در این اثنا موانع بسیار ولی در آینده از عون و عنایت حضرت بهاءالله امید است که اسباب فراهم آید هر وقت ممکن فورا سفر بهندوستان خواهم کرد اما بشرط اینکه اینسفر ممکن گردد زیرا سفر مطولی است و ارض مقصود مرکز متتابعا از جمیع اطراف رسائل مثل باران میریزد اقلا از ده یکی را جواب باید تحریر شود و قاصدان کعبه دوست نیز متتابع وارد میشوند و با آنان نیز باید ملاقات نمود و بخدمت پرداخت زیرا عبدالبهاء خادم یارانست و مفتخر باین منصب عظیم چگونه این موهبترا از دست دهم و از این گذشته موانعی بسیار در میان با وجود این امید سفر دارم اگر چه در محافل یاران بجان و دل حاضرم و در تبتل و تضرع شریک و سهیم با وجود این بصر نیز بهره و نصیبی دارد باری این ایام چون هندوستان بجوش و حرکت آمده از اطراف مکاتیب میرسد لهذا در نهایت سرور بملکوت ابهی عجز و زاری مینمایم و یاران الهی را در هر دمی تأییدی طلبم و توفیقی جویم و همچنین بنهایت ذل و انکسار بملکوت انوار تبتل مینمایم و یارانرا عزت بی پایان میطلبم حضرة بهاءالله روحی لاحباءالفداء بر سر احباء تاج عزت ابدی نهادند که دراری دریه‌اش از افق ابدی بر قرون و اعصار میتابد امر بدرجه‌ئی عظیم است که در سبیل حق حتی ذلت سبب عزتست ملاحظه نمائید که ذلتی اعظم از قتل اشخاص و سلب اموال و اسیری اهل و عیال نیست در یک صحرای پر ملال دشت کربلا اعظم تر از این ذلت نمیشود حال ملاحظه نمائید که این ذلت از برای حضرت سیدالشهداء روح العالمین له الفداء عزت ابدیه بود و یزید و ولید هر چند بظاهر عزیز بودند و بر سریر سلطنت مستقر ولکن این عزت ذلت ابدی بود حال در هر روزی چند کرور از یک العطش حضرت تشنه‌ها سیراب میشوند فقیران از انفس اطعمه برخوردار میگردند و یتیمان دلجوئی میشوند و عاجزان دستگیری میگردند ولکن یزید و ولید را لقب پلید ماند و ذلت آنا فآنا در مزید پس معلوم شد که یاران الهی بدرجه‌ئی عزیزند که ذلتی از پی نه و تبدیل و تحویلی نیست اگر جمیع عالم متفق شوند و بخواهند که نفسی از احباء الله را ذلیل نمایند نتوانند زیرا نهایت ذلت بحسب ظاهر شهادتست و این شهادت سبب عزت ابدی پس ثابت شد که حضرة احدیت از برای احبا ذلت خلق ننموده چیزیرا که حق خلق ننموده که میتواند آنرا وجود دهد باری معتمد بر فضل نامتناهی الهی باشید و روز بروز در مراتب معنویه و کمالات روحانیه و موهبت صمدانیه و هدایت ربانیه ترقی نمائید

الهی الهی هؤلاء عباد اخلصوا وجوههم لوجهک الکریم و سلکوا صراطک المستقیم و اتبعوا المنهج القویم و لم یخشوا بأس کل أفاک أثیم و لا یهابون شماتة کل معتد زنیم قد خرقوا الحجبات و هتکوا السبحات و ودعوا الاصنام و ودعوا الاوهام و أقبلوا الیک بقلوب ثابتة کشوامخ الجبال و نفوس مطمئنة کرواسخ الاوتاد و ابتهلوا الیک بفؤاد طافع بالوداد و صدور منشرحة بآیات توحیدک بین العباد ای رب اجعلهم نجوما درهرهة فی افق الشهود و سرجا لامعة فی حیز الوجود و اشجارا باسقة فی جنة الابهی و امواجا متهیجة من بحر الوفاء حتی یهتز ذلک الاقلیم بنفحات قدسک فی هذا القرن العظیم انک انت المقتدر العزیز الکریم
حیفا ٢٩ صفر ١٣٣٨ - ١٩١٩ م
(ع ع)